

# □ یک جرعه از قرآن (۵)

«کفر»

زبیری می‌گوید به امام صادق(ع) عرض کردم: معانی «کفر» در قرآن را بیان فرمایید؛ حضرت فرمود، واژه کفر در کتاب خدا به پنج معنا استعمال شده است:

۱\_ کفر جحود □ به معنای انکار ربوبیت خداوند، کسانی که می‌گویند نه خدایی است و نه بهشتی و نه جهنمی. این عقیده که ادعا می‌کنند هیچ عاملی جز روزگار، ما را فانی نمی‌کند.

۲\_ معنای دیگر □ انکار آگاهانه است. چنین کسی حقانیت چیزی را که برایش اثبات شده، انکار می‌کند، چنانکه خداوند می‌فرماید:

«آنان در حالی که یقین به آن داشتند، ظالمانه و برتری جویانه انکارش کردند». (سوره نمل ۱۴)

۳\_ کفران نعمت □ چنانکه خداوند در سوره ابراهیم آیه ۷ فرمود:

«اگر شکر کنید افزونتان خواهم کرد و اگر کفران ورزید، همانا عذاب من سخت است».

۴\_ معنای دیگر کفر □ ترک آن چه را که خداوند بدان امر کرده است. چنانکه در آیه ۸۵ سوره بقره خداوند فرموده است:

«آنگاه که از شما پیمان گرفتیم که خون خویش را مریزید و یک دیگر را از دیارتان بیرون نکنید، شما اقرار کردید و شهادت دادید، سپس اکنون خویشتان را می‌کشید و گروهی از خودتان را از دیارشان اخراج می‌کنید و بر آنان با گناه و تجاوز غلبه می‌کنید و اگر خویش را اسیر شما کنند، فدیة می‌گیرید و حال آن که اخراج آنان بر شما

**حرام بوده است.»**

آیا به برخی از کتاب خدا ایمان می آورید و به برخی دیگر کفر می ورزید؟ پس مجازات آن دسته از شما که این گونه عمل کنند، چیست؟

۵\_ معنای آخر - بَرَاءت و بیزاری، چنانکه در سوره ممتحنه آیه ۴ سخن حضرت ابراهیم را نقل می‌کند که به گمراهان امتش گفت:

«ما از شما بیزاریم و بین ما و شما دشمنی و بغض همیشگی است، تا وقتی که شما ایمان به خدای یگانه آورید.»

MoshtaganZohoor@

## □ یک جرعه از قرآن (۳)

«دین»

دین نیز از جمله واژه‌هایی است که در چند معنی در آیات بکار رفته از جمله این آیات و معانی:

✓ دین به معنای جزاء عمل

«مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» (حمد/۳)

«وَالَّذِي أُطْعِمُهُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ» (شعراء/۸۲)

✓ دین به معنای آیین توحیدی

«أَلَدِّينِ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (ال عمران/۱۹)

✓ دین به معنای قوانین مدنی

«...دِينُ الْمَلَائِكِ...» (۷۶ / یوسف)

فارغ از معنای سوم که به معنای قوانین بشری برای زندگی اجتماعی هست، و باید متاثر از دین آسمانی باشد، «دین» برای تسهیل معاش انسان و رمز و راز پیشرفت و کمال و تعالی و نردبانی برای رساندن به بی‌نهایت است، متنی لطیف و همسو با فطرت، که انسان از سر رغبت به آن دل‌سپرد و به آن روی آورد.

دین حکایتگر صاحبی عالم و مدبر است که تا انتهای کار انسان را تدبیر نموده و به واپسین دغدغه‌های او نیز، لباس عمل می‌پوشاند. کمال دین در زیبایی آن است که در هر عصر صاحبان دین ائمه معصومین(ع) آنرا با هسته‌ای ثابت اما پوسته‌ای هنرمندانه به بشر تعریف و عرضه می‌دارند.

اگر دین در قرآن با واژه‌هایی چون واصب، قیوم، و از همه کاملتر با واژه مقدس «اسلام» همنشین شده، بخاطر وزین و بی نظیر بودن آن از حیث آرامش و تعادل بخشی آن و ممانعت از زیان به دیگران، و نشانگر عقلانیتی در خود(دین) است که آنرا از افراط و تفریط و خرافات مصون نگه می‌دارد.

حال در قبال این دین، دیندار چگونه باید باشد خود بحث شیرین دیگری است.

MoshtaganZohoor@

---

## □ یک جرعه از قرآن (۲)

«اسلام»

از جمله واژه‌های قرآنی واژه بسیار مهم «اسلام» می‌باشد.

## تاریخچه اسلام به چه زمان برمیگردد؟

□ از دیدگاه قرآن دین نزد خدا فقط اسلام است:  
«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ». (آل عمران/۱۹)  
«وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ».  
( آل عمران/۸۵ )

□ اگر دین نزد خدا فقط اسلام است، تمام انبیاء صاحب شریعت و غیر آن، مبلغ و مروج دین اسلام بودند اما اسلام به معنی عام آن، تسلیم نمودن مردم به حقی که در شریعت خدا به پیامبران وحی نموده:  
«شَرِّعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّي بِهِ نُوْحًا وَالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ وَمِمَّا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ» (شوری، ۱۳)

«برای شما آیینی مقرر کرد، از همان گونه که به نوح توصیه کرده بود و از آنچه بر تو وحی کرده ایم و به ابراهیم و موسی و عیسی توصیه کرده ایم که دین را بر پای نگه دارید و در آن فرقه فرقه مشوید. تحمل آنچه بدان دعوت می‌کنید بر مشرکان دشوار است. خدا هر که را خواهد برای رسالت خود بر می‌گزیند و هر که را بدو باز گردد به خود راه می‌نماید».

## □ اسلام ملکه صبا :

«فَلَا مَسَّهَا جَاءَاتٍ قِيلَ أَهَكَذَا عَرَ شُكِّ قَالَتِ كَأَنَّ زَسَّهٌ هُوَ وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ» (نمل/۴۲)

«چون آمد گفتندش: آیا تخت تو چنین بود؟ گفت: گویی همان است. و ما پیش از این آگاه شده بودیم و تسلیم بوده ایم».

## □ اسلام حواریون حضرت عیسی(ع) :

«فَلَا مَسَّهَا أَحْسَسَّ عِيسَى مِنْهُمْ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ»

أَنْزَمَّارِي إِلَيَّ اللَّهُ قَالَ الْخَوَّارِ يُسُونُ زَجُونُ  
أَنْزَمَّارُ اللَّهُ آمَنْدًا بِاللَّهِ وَاشْهَدُوا بِأَنْزَمَّارِ  
مُسْلِمُونَ» (آل عمران، ۵۲)

«چون عیسی دریافت که به او ایمان نمی‌آورند، گفت: چه کسانی در راه خدا یاران منند؟ حواریان گفتند: ما یاران خداییم. به خدا ایمان آوردیم. شهادت ده که ما تسلیم هستیم.»

با توجه به این آیات، اسلام در معنای عام یعنی تسلیم شریعتی که خداوند توسط پیامبران به مردم رسانده، عبارتی هرکس در هر زمان و در هر موقعیت تسلیم حقی شود که انبیاء در آیین توحیدی بیان کردند، مسلمان در معنای عام آن است.

«أَلَّا تَعْلَمُوا عَلَيَّ - وَأَتُونِي مُسْلِمِينَ» (نمل، ۳۱)

«بر من برتری مجوید و به تسلیم نزد من بیایید.»

و اسلام در معنای خاص، شریعتی است که حضرت محمد(ص) بوسیله آن کاملترین شیوه تسلیم به حق را از سوی خدا به بشر عرضه نمود:

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (احزاب/۵۶)

«همانا خدا و فرشتگانش بر پیامبر صلوات می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستید و سر تسلیم فرود آورید.»

□ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ □

MoshtaganZohoor@

□ یک جرعه از قرآن (۱) □

«قرآن»

«قرآن» از جمله واژه‌هایی است که در آیات مختلف، نقش و معانی متفاوتی را داراست.

□ «قرآن»: در اصطلاح اذهان که معمولاً با شنیدن این کلمه در ذهن همه متبادر می‌شود، معجزه پیامبر اکرم(ص) می‌باشد، همان کتاب هدایتگر آسمانی برای مسلمانان جهان، که به این معنی، در آیات مختلفی آمده است:

□ «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّهِ هِي أَقَوْمٌ...»  
(اسراء، ۹)

«همانا این قرآن هدایت می‌کند به آنچه که آن قوام و پایداری دارد...».

□ «و إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ...» (اعراف، ۲۰۴)  
«زمانیکه قرآن خوانده می‌شود پس گوش بسپارید برایش...»

□ «قرآن» در معنای دیگرش مفهوم «خواندن» را در خود دارد:  
«انَّ عَلَيْنَا جَمْعُهُ وَ قُرْآنُهُ فَإِذَا قُرْآنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ» (قیامة، ۱۷ و ۱۸)  
«تنظیم و خواندنش بر عهده ماست پس هرگاه آنرا خواندیم، خواندنش را دنبال کن.»

مراد از خواندن(قرآن)، روخوانی کردن از نوشته یا لوحی نیست، بلکه ذکر و بیان جریانات و برنامه‌ها و سخنان خداوند متعال بصورت شفاهی بر پیامبر اکرم(ص) می‌باشد که جهت جلوگیری از کم و زیاد شدن کلام وحی، ضرورت به نوشتن و کتابت شده و در نظر مردم چنین تداعی شده که قرآن مکتوب نازل شده است.  
اگر این معنا از «قرآن» از ریشه «قرأ» دانسته شود، منظور از قرآن، آن نوعی خواندنی است که:

(۱) قَرَأْتُ الْقُرْآنَ قَرَأْتُ الْقُرْآنَ قَرَأْتُ الْقُرْآنَ قَرَأْتُ الْقُرْآنَ قَرَأْتُ الْقُرْآنَ قَرَأْتُ الْقُرْآنَ

□ امر به توجه، دیدن و بیان امری با ذکر تمام جزئیات، مثلاً:  
«اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَعَى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَا يَدُكَ حَسِيبًا» (اسراء، ۱۴)  
«بخوان نامه‌ات را، امروز تو خود برای حساب کشیدن از خود

بسنده‌ای». توضیحات فقط جرعه‌ای بود از دریا، قطعا با «تدبیر، تفکر، تعقل» در آیه به آیه این مجموعه آسمانی، راهکارهای علمی و عملی برای انسان جهت سعادت‌مندی در دنیا و عقبی در پی خواهد داشت.

MoshtaganZohoor@